

﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ ۚ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ﴾ [الفتح: ٢٩]

﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا﴾ [المائدة: ٥٥]

تولی و تبری در اسلام

تالیف:

صالح بن فوزان الفوزان

ترجمه:

عبدالعزیز بداغی

این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

آدرس ایمیل:

سایت‌های مفید

www.aqeedeh.com

www.islamtxt.com

www.ahlesonnat.com

www.isl.org.uk

www.islamtape.com

www.blestfamily.com

www.islamworldnews.com

www.islamage.com

www.islamwebpedia.com

www.islampp.com

www.nourtv.net

www.sadaislam.com

www.islamhouse.com

www.bidary.net

www.tabesh.net

www.farsi.sunnionline.us

www.mohtadeen.com

www.ijtehadat.com

www.islam۴۱۱.com

www.videofarda.com

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

فهرست مطالب	۳
مقدمه مترجم	۵
مقدمه مؤلف	۷
نشانه‌های تولی و تبری	۱۰
الف) نشانه‌های دوستی با کفار	۱۰
۱- شباهت در پوشش و نحوه گفتار:	۱۰
۲- اقامت در دار الکفر و عدم مهاجرت در جهت صیانت دین به دار الإسلام:	۱۰
۳- حمایت و یاری کفار بر علیه مسلمانان:	۱۱
۴- یاری طلبیدن، اعتماد، سر سپردگی، واگذاری پستهای حساس که سبب دسترسی کفار به اسرار مسلمانان می گردد و برگزیدن آنان به عنوان مشاور و دوستان صمیمی:	۱۱
۵- استفاده از تاریخ آنان به ویژه تاریخی که بیانگر عقاید و اعیاد آنان است، (مانند تاریخ میلادی):	۱۳
۶- شرکت در جشن ها، کمک کردن در برگزاری آن و تبریک گفتن به آنان:	۱۴
۷- مدح و ستایش فرهنگ و تمدن کفار و شیدایی اخلاق و روش آنان بودن صرفنظر از عقاید غلط و دین فاسدی که دارند:	۱۴
۸- تاسی به کفار در نامگذاری اولاد:	۱۵
۹- طلب آموزش و مغفرت برای کفار:	۱۶
ب) نشانه‌های دوستی با مؤمنین	۱۷
۱- هجرت از دارالکفر به سوی دارالاسلام:	۱۷
۲- پشتیبانی و یاری کردن مسلمانان با جان، مال و زبان در نیازمندیهای دین و دنیایشان:	۱۷
۳- شادی و مصیبت مسلمانان را از آن خود بداند:	۱۸

-
-
- ۴- دوستدار و خیرخواه مسلمانان بودن و امتناع از اغفال و فریب آنان:..... ۱۸
- ۵- تکریم و احترام مسلمانان و امتناع از عیبجویی و تنقیض شخصیتشان:..... ۱۹
- ۶- در تنگنا و فراخی یار مونس آنان باشد..... ۱۹
- ۷- دیدار و هم نشینی با مسلمانان و اظهار محبت در ملاقات با آنان:..... ۲۰
- ۸- رعایت حقوق مسلمانان:..... ۲۰
- ۹- شفقت با ضعفای مسلمان:..... ۲۱
- ۱۰- طلب استغفار و دعای خیر برای مسلمانان:..... ۲۱
- مردم در تولی و تبری به سه گروه زیر تقسیم می شوند:..... ۲۵
- گروه اول:..... ۲۵
- گروه دوم..... ۲۶
- گروه سوم..... ۲۶

مقدمه مترجم

واقع تلخی که جهان امروز با آن روبرو می باشد این است که ایادی کفر و طاغوت در سراسر جهان برای نابودی اسلام بسیج شده و دست در دست هم نهاده اند و تمام قوای خویش را برای رسیدن به این امر شوم به کار گرفته اند.

روز به روز صفوف کفر محکمتر و اتحادشان بیشتر و در مخالفت با شرح الله جسورتر می گردند و چشم به دنبال روزی دارند که نظام اسلام از صحنه گیتی بر چیده شده و کفر جهانی بر سراسر عالم حکمفرما شود. اسلام تاکنون چنین مورد غربت واقع نشده و بی یاور نمانده است. در گوشه گوشه این جهان پهناور این مسلمانانند که مظلومانه کشته می شوند، آواره می گردند و با وحشیانه ترین شیوه مورد آزار و شکنجه قرار می گیرند این آه و فغان مسلمانان در بند است که به جایی نرسیده و از سوی هیچ قدرتی حمایت نمی شوند، این ندای قرآن است که در گلوی مسلمانان و زیر آوار مساجد به خون آغشته خفه می شود. و این خون عقیده ی توحید است که در شاهرگک جوامع اسلامی بی حرکت می گردد.

انگیزه ای که مرا به ترجمه این کتاب واداشت، کج فهمی و افتراءاتی بود که بعضا از سوی برخی مسلمانان ساده اندیش و خود باخته که بیشتر اسلام را از تعریف و تفسیر دشمنان این دین شناخته^۱ و نسبت به حقایق آن پشت پرده های اوهام و پندار مانده اند، و به تنها قسمتی از اسلام که بتواند مقبول جهان کفر بوده و از آن خطری احساس نشود بسنده نموده اند.

یکی از ریشه های توحید که امروز بر مسلمانان پوشیده می باشد اصل تولی و تبری است، و تا زمانی که این اصل در زندگی مسلمانان وارد منطق بر موازین شرع اجرا نشود. انقلاب توحیدی که بتواند دست استکبار را قطع نموده و ریشه های طاغوت را بخشکاند و مسلمانان را از زیر سلطه و یوغ ظالمان آزاد ساخته و رهایی بخشد محقق نخواهد شد.

ولی متأسفانه امروز افکاری منحرف و گمراه کننده و نشات گرفته از عقل ناقص بشری که مخالف با نصوص صریح قرآن و سنت مطهر رسول الله -صلی الله علیه وسلم- می باشد، اصرار در توجیه کفر کافران و جنایاتی که مرتکب می شوند داشته و به رغم تشویق مومنان

۱- چون گلدزیهر، نولدکا و... .

به جهاد و مبارزه با زورگویان و ظالمان روحیه مجاهدین را در دفاع از شریعت الله سست نموده و از جهاد تنفر می جویند.

این جاهلان هرگز از موالات و برادری با کفار اکراه نداشته و با حربه ((در جهان کافری نمی توان یافت و حجت دینی هنوز بر کسی تمام نشده است)) به کلی نظام تولی و تبری را زیر سوال برده بلکه آن را تعطیل نموده اند. در حالی که تشکیل جامعه و حکومت دینی بر این اصل استوار بوده و می تواند بقای خویش را حفظ نمایند، و در پی استقرار چنین نظامی است که صفوف پولادین سربازان اسلام در برابر کفر شکل گرفته و اتحاد بین مسلمانان به وجود خواهد آمد. و با صراحت می توان گفت جامعه و حکومت اسلامی تنها به این شرط می تواند انسجام یافته و روح اسلام در آن تبلور یابد.

در پایان ترجمه کتاب «**الولاء و البراء فی الاسلام**» را به کلیه برادران و خواهران ایمانیم تقدیم می دارم و از بارگاه الله ﷻ خواهانیم آن را به عنوان عملی صالح پذیرفته و گامی در جهت خدمت به شریعت مقدس خویش و نیز وسیله ای برای آگاهی بیشتر عزیزان در این راستا قرار دهد.

آمین.

مقدمه مؤلف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله والصلاة والسلام على نبينا محمد وآله وصحبه ومن اهتدى بهداه.

دوستی و مودت با اولیاء الله پس از محبت الله و رسولش و دشمنی با دشمنان او بر هر مسلمانی واجب است و پایبندی به این عقیده، از جمله اصول عقیده ی اسلامی بوده و بر هر مسلمانی واجب است، اهل آن را دوست داشته و با مخالفان آن دشمنی بورزد، لذا واجب است موحدان مخلص را دوست داشته و از مشرکان بیزاری جسته و آنان را دشمن بدارد.

و این اساس دین ابراهیم علیه السلام و پویندگان سنت او است، همان کسانی که رب العالمین فرمان داده است، به آنان اقتدا نماییم آنجا که می فرماید: ﴿قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَءُؤُا مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدُّهُ﴾. [الممتحنة: ۴]. «برای شما در ابراهیم و همراهان او سرمشقی نیکوست، آنگاه که به قومشان گفتند ما از شما و آنچه بجای خداوند می پرستید، بری و بر کناریم، ما منکر شمایم و همواره در میان ما و شما دشمنی و کینه پدید آمده است تا آنکه فقط به الله ایمان آورید».

شالوده ی دین محمد مصطفی - صلی الله علیه وسلم - نیز بر همین اصل استوار است، چنان که الله سبحانه می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾. [المائدة: ۵۱]. «ای مومنان! یهودیان و مسیحیان را که (در مقابله با شما) دوست و هوادار یکدیگرند، به دوستی نگیرید؛ و هر کس از شما آنان را دوست گیرد، جزو آنان است؛ الله ستمکاران را هدایت نمی کند».

اگر چه این آیه در خصوص دوستی با اهل کتاب نازل شده است؛ لیکن در تحریم موالات کفار به طور عام می فرماید: ﴿يَتَّخِذُوا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ اَوْلِيَاءَ﴾ [الممتحنة: ۱]. «ای مومنان! دشمن من و دشمن خودتان را دوست مگیرید».

بنابراین؛ خداوند دوستی کفار را هر چند که از نزدیکترین خویشان باشد بر مومن حرام فرموده است: ﴿يَتَّخِذُوا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا ءَابَاءَكُمْ وَاِخْوَانَكُمْ اَوْلِيَاءَ اِنْ اَسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْاِيْمَنِ ۚ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾ [التوبة: ۲۳]. «ای مومنان! پدران و برادرانتان را اگر کفر را از ایمان خوشتر دارند، دوست مگیرید، و آنان که از شما ایشان را دوست گیرند آنانند که ستمکارند».

و نیز می فرماید: ﴿لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا ءَابَاءَهُمْ اَوْ اَبْنَاءَهُمْ اَوْ اِخْوَانَهُمْ اَوْ عَشِيرَتَهُمْ﴾ [المجادلة: ۲۲]. «قومی نیابی که به الله و روز بازپسین ایمان داشته باشند و با کسانی که با الله و پیامبر او مخالفت می ورزند، دوستی کنند، ولو آن که پدرانشان یا فرزندانشان یا برادرانشان یا خویشاوندانشان باشند».

بسیاری از مردم این اصل اساسی را به فراموشی سپرده و از آن غفلت ورزیده اند، تا جایی که بعضاً در خطابه های منسوبین به علم و دعوت که از رادیوهای عربی پخش می شود، شنیده شده است که مسیحیان را برادران ما می خوانند و از آثار مخرب این سخن خویش غافلند. حال آنکه الله سبحانه و تعالی دوستی با کفار - که همان دشمنان عقیده اسلامی هستند - را حرام نموده و دوستی و حب اهل ایمان را واجب فرموده است. چنان که می فرماید: ﴿اِنَّهَا وَلِيَكُمْ اللّٰهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا الَّذِيْنَ يُقِيْمُونَ الصَّلٰوةَ وَيُؤْتُوْنَ الزَّكٰوةَ وَهُمْ رٰكِعُوْنَ﴾ [سوره بقره: ۱۷۷]. «وَمَنْ يَتَوَلَّ اللّٰهُ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا فَاِنَّ حِزْبَ اللّٰهِ هُمُ

الْغَلْبُونَ ﴿٥٦﴾. [المائدة: ۵۵ - ۵۶]. «تنها الله و فرستاده ی او و مومنانی یاور و دوست دار شمايند که خاشعانه و خاضعانه نماز را به جای می آورند و زکات مال بدر می کنند و هر کس که الله و پیامبر او و مومنان را به دوستی و یاری بپذیرد (از زمره ی حزب الله است و) بی تردید حزب الله پیروز است».

و می فرماید: ﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ﴾ [الفتح: ۲۹] «محمد پیامبر الهی و کسانی که با او هستند بر کافران سخت گیر و با خودشان مهربانند».

همچنین می فرماید: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾. [الحجرات: ۱۰]. «همانا مومنان (مسلمانان) برادرند».

بنابراین، مومنان برادران دینی و عقیدتی همدیگرند، اگر چه در نسب، سرزمین و اعصار تفاوت داشته باشند همان طور که الله تعالی می فرماید: ﴿وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ﴾. [الحشر / ۱۰]. «و کسانی که پس از آنان آمده اند گویند، پروردگارا ما و برادرانمان را که در ایمان بر ما سبقت دارند، بیامرز، و در دلهای ما نسبت به مومنان کینه ای مگذار، پروردگارا تویی که رئوف و مهربانی».

با این وصف، از اولین مومنی که بر این کره ی خامی گام نهاده تا آخرین نفر اگر چه سرزمینهایشان از هم دور باشد و در زمانهای متفاوت به سر ببرند با همدیگر برادر و دوستدار هم هستند.

و آخرین فرد آنان به اولینشان اقتدا می کند و خیرخواه همدیگر بوده و برای هم از الله طلب آمرزش می نمایند.

نشانه‌های تولی و تبری

الف) نشانه‌های دوستی با کفار

۱- شباهت در پوشش و نحوه گفتار:

تقلید از کفار در کسوت و کلام و سایر آداب و رسوم، نشانه محبت آنان است. بر همین اساس پیامبر-صلی الله علیه وسلم- می فرماید: «من تشبه بقوم فهو منهم». «هر کس به سلک قومی در آید در زمره‌ی آنان است».

همرنگی و مشابهت به کفار در عادات، عبادات، آداب و سلوک که از جمله ویژگی و مشخصه‌های آنان است حرام می باشد، مانند تراشیدن ریش، بلند کردن سیل^۱، تقلید در فرم لباس و خوردن و نوشیدن همچنین بکارگیری اصطلاحات زبانشان جز در هنگام ضرورت.

۲- اقامت در دار الکفر و عدم مهاجرت در جهت صیانت دین به دار الإسلام:

هجرت با چنین معنا و هدفی بر هر مسلمانی واجب است، زیرا اقامت در دار الکفر پذیرش محبت و دوستی با کافران می باشد. از این رو الله تعالی اقامت مسلمانی را که توانایی هجرت داشته باشد در میان کافران حرام نموده است، چنان که می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّيْنَاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ^ط قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ^ج قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَسِعَةً فَهَاجِرُوا فِيهَا^ع فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ^ط وَسَاءَتْ مَصِيرًا ﴿٩٧﴾ إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا ﴿٩٨﴾﴾. [النساء: ۹۷-۹۸]. «کسانی که فرشتگان جانشان را می گیرند و آنان بر خود ستم روا داشته اند، به ایشان گویند در چه حالی بودید؟ گویند ما در سرزمین خود مستضعف بودیم، گویند آیا مگر زمین خداوند وسیع نبود که بتوانید در آن (به هر کجا که خواهید)

۱- همچون مجوسیان.

هجرت کنید و سرانجام اینان جهنم است و بد سرانجامی است. مگر مردان و زنان و کودکان مستضعف که نمی‌توانند چاره‌ای بیاندیشند و راه بجایی نمی‌برند. اینان را باشد که خداوند ببخشد و خداوند بخشاینده‌ی آموزگار است».

الله تعالی اجازه‌ی سکونت در سرزمین کفار را به مسلمانان نداده و در این راستا عذر کسی را نمی‌پذیرد مگر کسانی که مستضعف بوده و توانایی مهاجرت ندارد یا آنهایی که ماندنشان برای مصلحتی دینی مانند دعوت به سوی الله و نشر اسلام است.

سفر به سرزمین آنان به قصد سیر و سیاحت: سفر به سرزمین کافران حرام است مگر در مواقع ضروری از قبیل مداوا، تجارت و آموزش علوم کاربردی که دستیابی به آن در غیر این صورت میسر نباشد لذا اقامت به اندازه‌ی رفع نیاز بلا مانع است و چون رفع نیاز گردید بازگشت به دارالاسلام واجب است.

و شرط جواز چنین سفری این است که مسافر دین خود را آشکار نموده و به اسلام خویش افتخار نماید و از مکانهای شروری جسته تا از دیسه و نیرنگ دشمنان مصون بماند. همچنین سفر به سرزمین و دیار کفر جهت دعوی به سوی الله و نشر اسلام جایز بلکه واجب می‌باشد.

۳- حمایت و یاری کفار بر علیه مسلمانان:

این مسئله مهم سبب خارج شدن مسلمان از دایره اسلام می‌گردد و از جمله اسباب ارتداد به شمار می‌آید. نعوذ بالله من ذلک.

۴- یاری طلبیدن، اعتماد، سر سپردگی، واگذاری پستهای حساس که سبب دسترسی کفار به اسرار مسلمانان می‌گردد و برگزیدن آنان به عنوان مشاور و دوستان صمیمی:

الله تعالی می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بِطَانَةً مِّن دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِن كُنتُمْ تَعْقِلُونَ ﴿١١٨﴾ هَآأَنْتُمْ أَوْلَآءُ يُحِبُّونَهُمْ وَلَا تُحِبُّونَكُمْ وَتُؤْمِنُونَ بِالْكِتَابِ كُلِّهِ وَإِذَا لَقُوكُمْ قَالُوا ءَامَنَّا وَإِذَا خَلَوْا عَضُّوا عَلَيْكُمُ الْأَنَامِلَ مِنَ الْغَيْظِ قُلْ مُوتُوا بِغَيْظِكُمْ ۚ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿١١٩﴾﴾ إِن تَمَسَّسَكُمْ حَسَنَةٌ تَسُوءُهُمْ وَإِن تُصِيبَكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا﴾.

[آل عمران / ۱۱۸-۱۲۰].

«ای مومنان، از غیر خودتان کسی را به همدلی نگیرید که از هیچ نابکاری در حق شما فرو گذار نمی‌کند و با رنج و محنت افتادن شما را خوش دارند و به راستی دشمنی از لحن و سخنشان آشکار است و آنچه دلهایشان پنهان می‌دارد، بدتر است؛ آری اگر اندیشه کنید آیات خویش را به روشنی برایتان بیان کرده ایم، هان شما آنها را دوست دارید ولی آنها شما را دوست ندارند و شما به همه کتابهای آسمانی ایمان دارید؛ و چون با شما رو برو شوند، گویند ایمان آورده ایم و چون تنها شوند، سر انگشتان خویش را از غیظ شما به دندان می‌گزند، بگو به غیظ خویش بمیرید؛ خداوند از راز دلهای آگاه است. اگر به شما خیری برسد ایشان را اندوهگین کند و اگر به شما بدی (و ناخوشی) رسد، از آن شاد می‌شوند».

این آیات کریمه عمق کینه و بغض کفار و شدت علاقه مندی آنان در آزار و اذیت رسانی به مسلمانان به هر وسیله ممکن اعم از مکر، خیانت و توطئه چینی را بیان می‌دارد. علاوه بر این سعی کفار بر این است از اعتماد مسلمانان نسبت به آنان سوء استفاده کرده و نقشه‌های مخرب خویش را پیاده نمایند تا به اهداف پلید خویش دست یابند.

امام احمد از ابوموسی اشعری -رضی الله عنه- روایت می‌کند که به امام عمر -رضی الله عنه- گفتم: کاتبی نصرانی دارم، فرمود: تو را چه شده است؟ الله تو را بکشد! آیا کلام رب العالمین را نشنیده‌ای که می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا آلَ يَهُودَ وَالنَّصَرَىٰ

أُولَئِكَ...» [المائدة / ۵۱]. «ای مومنان یهودیان و مسیحیان را که (در مقابله با شما) دوست و هوادار یکدیگرند، به دوستی نگیرید».

چرا یک موحد را به کار نگرفتی؟ گفتم ای امیر مومنان، کتابت او از آن من و دینش ارزانی خودش، عمر فرمود: کسی را که الله خوار نموده است اکرام نخواهم کرد و آن کس را که ذلیل کرده است عزیز نخواهیم داشت و در حالی که الله آنها را دور نموده است به آنان نزدیکی نخواهم جست.

و نیز امامان احمد و مسلم از پیامبر -صلی الله علیه وسلم- چنین روایت کرده اند که پیامبر -صلی الله علیه وسلم- عازم غزوه ی بدر شد، مردی از مشرکان در سرزمین حره به ایشان رسیده و گفت: قصد نموده ام در رکابتان بوده و با شما بجنگم، فرمود: آیا به الله و فرستاده ی او ایمان داری، گفت: خیر. فرمود: برگرد، هرگز از مشرک کمک نمی گیرم. با توجه به این نصوص واگذاری زعامت مسلمانان به دست کفار حرام است. چرا که از این راه به اسرارشان دست می یابند و بر امورشان مسلط می گردند، در نتیجه با حيله و مکر به آنان آسیب و ضرر می رسانند.

نمونه بارز این پدیده ی شوم که امروزه در جهان اسلام مشهود است، مصیبت پذیرش تولیت کفار از سوی مسلمانان می باشد که منجر به هجوم سیل آسا آنان به سرزمینهای اسلامی حتی حرمین شریفین شده است. به طوری که در اشکال مختلف چون کارگر، راننده، مستخدم و مربی وارد خانه و جامعه مسلمین می گردند.

۵- استفاده از تاریخ آنان به ویژه تاریخی که بیانگر عقاید و اعیاد آنان است^۱، (مانند تاریخ میلادی):

تاریخ میلادی عبارتی است برای یادآوری میلاد مسیح - علیه السلام -، این تاریخ بعدها

۱- چون تاریخ شاهنشاهی، میلادی و ...

از سوی مسیحیان وضع شده و اساسی در دین مسیح - علیه السلام - ندارد. لذا استعمال آن مشارکت در احیای اعیاد و شعائر دینی آنان می باشد، که دوری جستن از آن بر مسلمانان واجب است، زیرا هنگامی که صحابه رسول الله - صلی الله علیه وسلم - در عهد خلافت عمر - رضی الله عنه - مبدا تاریخ اسلام را بنا گذاشتند، عملاً از تاریخ کفار عدول کردند و حادثه عظیم هجرت پیامبر - صلی الله علیه وسلم - را مبنی قرار دادند این عمل (اجماع صحابه)^۱ بر واجب بودن مخالفت با کافران در این مورد و موارد مشابه و سایر ویژگیهای آنان دلالت دارد و الله المستعان.

۶- شرکت در جشن ها، کمک کردن در برگزاری آن و تبریک گفتن به آنان:

آیهی ﴿وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ﴾. [الفرقان / ۷۲]. «و نیز کسانی که در مجالس باطل حضور نیابند» به همین مطلب اشاره دارد. و از جمله صفات بارز عباد الرحمن این است که ایشان در جشن های کفار شرکت نمی جویند.

۷- مدح و ستایش فرهنگ و تمدن کفار و شیدایی اخلاق و روش آنان بودن صرفنظر از عقاید غلط و دین فاسدی که دارند:

﴿وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ﴾. [طه / ۱۳۱] «به چیزی که اصنافی از آنان را به آن بهره مند گردانده ایم چشم مدوز که تجمل زندگی دنیوی است تا سرانجام آنان را بدان بیازماییم، و روزی پروردگارت بهتر و پاینده تر است».

این بدان معنی نیست که مسلمانان اسباب توسعه _ از جمله تعلیم صنایع، سازه های مباح اقتصادی و فنون نظامی _ را فرا نگیرند، بلکه آن را از مسلمانان می خواهند، همچنان که الله تعالی می فرماید: ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ...﴾ [الأنفال / ۶۰]. «و در برابر آنان هر نیرویی که می توانید، فراهم آورید...».

در اصل مسلمانان به بهره مندی از این منافع و اسرار و رموز اولی ترند، همچنان که الله سبحانه می فرماید: ﴿قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَمَةِ﴾. [الأعراف / ۳۲]. «بگو: چه کسی زینت الهی را که برای بندگانش پدید آورده، و رزق پاکیزه ی او را حرام کرده است، بگو اینها در زندگانی دنیا برای مومنان (و نا مومنان) است و در روز قیامت نیز خاص مومنان است».

و نیز می فرماید: ﴿وَسَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِّنْهُ﴾. [الحاثیه / ۱۳]. «و آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است همه از اوست و آنها را برای شما رام کرد».

و می فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا﴾. [البقرة / ۲۹]. «او کسی است که آنچه در زمین است همه را برای شما آفرید».

لذا بر مسلمانان واجب است در استفاده و بکارگیری از این منافع و نیروها از دیگران سبقت گرفته و برای دست یافتن به آن مدیون کفار نبوده بلکه خود دارای فنون و صنایع باشند.

۸- تاسی به کفار در نامگذاری اولاد:

از جمله مصائب دیگر این امت این است که برخی از مسلمانان بر فرزندان خویش

اسامی بیگانه نهاده و اسم های مالوف و مشهود نیاکان خویش را که در جامعه اسلامی رایج بوده است واگذارند. حال آنکه پیامبر -صلی الله علیه وسلم- می فرماید: (خیر الأسماء عبدالله وعبدالرحمن) «بهترین نامها عبدالله و عبدالرحمن است».

نتیجه این تغییر در اسامی، پیدایش نسلی با اسامی عجیب و غریب است که باعث شکاف میان نسل جدید و قدیم می گردد و شناسه ای را که جزو ویژگیهای هر خانواده است از بین می برد.

۹- طلب آمرزش و مغفرت برای کفار:

الله تعالی به طور قطع و یقین در آیه زیر این عمل را حرام نموده است، چنان که می فرماید: ﴿مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوا أَوْلَىٰ قُرْبَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ﴾ [التوبة: ۱۱۳]. «سزاوار نیست که پیامبر و مومنان برای مشرکان، ولو خویشان باشند، پس از اینکه بر ایشان آشکار شده است که آنان دوزخی اند، آمرزش بخواهند».

زیرا این عمل بیانگر محبت کفار و صحیح دانستن عقاید باطل آنان است.

ب) نشانه های دوستی با مؤمنین

۱- هجرت از دارالکفر به سوی دارالاسلام:

هجرت: یعنی ترک دارالکفر و اقامت در دارالاسلام بخاطر صیانت دین. هجرت با چنین معنا و هدفی تا روز قیامت بر مسلمانان واجب است و پیامبر -صلی الله علیه وسلم- مسلمانان را که در دارالکفر اقامت گزیده از خود نمی داند. لذا اقامت در دارالکفر مگر برای کسانی که توانایی هجرت ندارند و نیز کسانی که در آن دیار به تبلیغ اسلام می پردازند، حرام می باشد. الله سبحانه می فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّيْنَاهُمُ الظَّالِمِينَ أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنَّا قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَٰئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا ۝﴾. [النساء / ۹۷]. «کسانی که فرشتگان جانشان را می گیرند و آنان بر خود ستم روا داشته اند، به ایشان گویند در چه حالی بودید؟ گویند ما در سزمین خود مستضعف بودیم، گویند آیا مگر زمین خداوند وسیع نبود که بتوانید در آن (به هر کجا که خواهید) هجرت کنید و سرانجام اینان جهنم است و بد سرانجامی است».

۲- پشتیبانی و یاری کردن مسلمانان با جان، مال و زبان در نیازمندیهای دین و دنیایشان:

الله سبحانه می فرماید: ﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ ۝﴾. [التوبة: ۷۱]. «و مردان و زنان مومن دوستدار همدیگرند».

و نیز می‌فرماید: ﴿وَإِنْ أَسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمْ النَّصْرُ إِلَّا عَلَىٰ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُم مِّيثَاقٌ﴾ [الأنفال / ۷۲]. «و اگر در کار دین از شما یاری خواستند بر شماست که یاری کنید مگر در برابر قومی که بین شما و ایشان پیمانی باشد».

۳- شادی و مصیبت مسلمانان را از آن خود بداند.

پیامبر -صلی الله علیه وسلم- می‌فرماید: ((مثل المسلمین فی توادهم وتعاطفهم وتراحمهم کالجسد الواحد إذا اشتکی منه عضو تداعی له سائر الجسد بالحمی والسهر)). «مثل مسلمانان در دوستی و محبت و شفقت بسان پیکر واحدی هستند، هرگاه عضوی از آن به درد آید، تب و بی‌قراری سایر اعضا را فرا می‌گیرد».

و همچنین فرمود: ((المؤمن للمؤمن کالبنیان یشد بعضه بعضاً وشبک بین أصابعه)) مثل مومن برای دیگر بسان ساختمانی است که جزیی از آن جزء دیگر را استحکام می‌بخشد (آنگاه پیامبر -صلی الله علیه وسلم- برای تجسم این تمثیل انگشتان دو دست خود را به هم گره کرد).

۴- دوستدار و خیرخواه مسلمانان بودن و امتناع از اغفال و فریب آنان:

پیامبر -صلی الله علیه وسلم- فرمود: (لا یؤمن أحدکم حتی یحب لأخیه ما یحب لنفسه). ایمان هیچ یک از شما به کمال نمی‌رسد مگر آنکه هر چه را برای خود می‌پسندد برای برادرش نیز بیسندد.

و نیز فرمود: ((المسلم أخو المسلم لا یحقره ولا یخذله ولا یسلمه بحسب امری من الشر- أن یحقر أخاه المسلم کل المسلم علی المسلم حرام دمه وماله وعرضه)) مسلمان برادر مسلمان است او را حقیر و خوار نمی‌شمارد، کمک خویش را از او باز نمی‌گیرد، او را به دشمنی نمی‌سپارد. در بدی همین اندازه که برادر خویش را تحقیر نماید او را بس است و جان و مال و شرف مسلمانان بر دیگری حرام است.

و همچنین پیامبر -صلی الله علیه وسلم- فرمودند: ((لا تباغضوا ولا تدابروا ولا تناجشوا ولا یبع بعضکم علی بیع بعض، وكونوا عبادالله إخواناً)) یا همدیگر کینه ورزی نکنید، به یکدیگر پشت نکنید و روی معامله دیگری معامله نکنید و برادر وار عبادالله باشید.

۵- تکریم و احترام مسلمانان و امتناع از عیبجویی و تنقیض شخصیتشان:

چنان که الله تعالی می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِّن قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِّن نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَن يَكُنَّ خَيْرًا مِّنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِاللِّقَبِّ بِنِسِّ إِلَاسْمِ الْفُسُوقِ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَن لَّمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾ ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَب بَّعْضُكُم بَعْضًا أَتُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ﴾. [الحجرات: ۱۱-۱۲]. «ای مؤمنان! نباید که قومی، قوم دیگر را به ریشخند بگیرد، چه بسا اینان از آنان بهتر باشند، و نیز نباید زنانی زنان دیگر را (ریشخند کنند) چه بسا اینان از آنان بهتر باشند و در میان خویش عیبجویی نکنید؛ و یکدیگر را به لقبهای بد مخوانید، پس از ایمان، پرداختن به فسق، بد رسمی است؛ و کسانی که (از این کار) باز نگردند، اینانند که ستمگرند، ای مومنان از بسیاری از گمانها پرهیز کنید، چرا که بعضی از گمانها گناه است و (در کار دیگران) تجسس نکنید، و کسی از شما از دیگری غیبت نکند؛ آیا هیچکدام از شما خوش دارد که گوشت برادر مرده اش را بخورد، که از آن تنفر دارید؛ و از خداوند پروا کنید که بیگمان خداوند توبه پذیر مهربان است».

۶- در تنگنا و فراخی یار مونس آنان باشد.

به رغم منافقین که در آسایش و فراخی در کنار مسلمانان هستند و به هنگام سختی و خطر آنان را تنها می‌گذارند. که الله تعالی می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ يَتَرَبَّصُونَ بِكُمْ فَإِن كَانَ لَكُمْ

فَتَّحْ مَنْ اللَّهَ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ وَإِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحِذْ عَلَيْكُمْ وَنَمْنَعُكُم مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٤١﴾ [النساء: ۱۴۱]. «(آری) همانها که مترصد شما هستند؛ پس اگر پیروزی از جانب خداوند نصیب شما شود می گویند مگر ما همراه (و پشتیبان) شما نبودیم؟ و اگر کافران نصیبی برند (به آنان) گویند مگر ما بر شما دست نداشتیم و دست مسلمانان را از شما دور نداشتیم؟»

۷- دیدار و هم نشینی با مسلمانان و اظهار محبت در ملاقات با آنان:

در حدیثی قدسی آمده است که الله تعالی می فرماید: (وجبت محبتی للمتزورین فی) کسانی که به خاطر رضای من به دیدار هم می روند، مشمول محبت من واقع می شوند. و در حدیثی دیگر چنین آمده است: مردی به خاطر الله به دیدار برادرش رفت، الله سبحانه بر سر راهش فرشته ای قرار دارد و از او پرسید به کجا می روی؟ گفت: به خاطر الله به دیدار مومنی می روم. گفت: آیا متاعی نزد وی داری که می خواهی باز پیش گیری؟ گفت: خیر. جز اینکه به خاطر الله او را دوست دارم. گفت: من فرستاده ی الله به سوی تو هستم (به تو مژده می دهم همان طور که تو وی را به خاطر الله دوست داری الله نیز تو را دوست دارد).

۸- رعایت حقوق مسلمانان:

بر معامله مسلمانان معامله نکند و بر قیمت گذاری آنها قیمت ننهد و بر خواستگاریشان خواستگاری نکند. و در کارهای مباحی که از او پیشی گرفته اند متعرض حقوق آنان نشود. رسول اکرم -صلی الله علیه وسلم- فرمود: ((ألا لا یبع الرجل علی بیع أخیه ولا یخطب علی خطبته)) و فی روایت: ((ولا یسم علی سومه)) زینهار هیچ مردی از شما بر معامله برادرش معامله نکند و بر خواستگاری او خواستگاری ننماید و در روایتی دیگر آمده است: بر قیمت گذاری او قیمت ننهد.

۹- شفقت با ضعیفای مسلمان:

همان طور که رسول اکرم -صلی الله علیه وسلم- می فرماید: -((لیس منا من لم یوقر کبیرنا ویرحم صغیرنا)) هر کس به افراد مسن ما (این امت) احترام نگذارد و بر خردسالان ما مهر نرزد از ما نیست.

و همچنین فرمود: ((هل تنصرون وترزقون إلا بضعفائکم)) آیا نصرت و پیروزی نصیب شما می شد؟ مگر (بواسطه لطفی که الله) به ضعیفان شما دارد؟

الله تعالی می فرماید: ﴿وَأَصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ ۖ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾. [الکھف: ۲۸]. «و با کسانی که بامدادان و شامگاهان پروردگارش را (به دعا و نیایش) می خوانند و در طلب خشنودی او هستند، مدارا کن؛ و در هوای تجمل زندگی دنیوی، چشم از ایشان بر مگیر».

۱۰- طلب استغفار و دعای خیر برای مسلمانان:

الله سبحانه می فرماید: ﴿وَأَسْتَغْفِرْ لِدُنْيَاكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ﴾. [محمد: ۱۹]. «و برای گناهانت و نیز برای مردان و زنان مومن آمرزش بخواه».

و نیز می فرماید: ﴿وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ﴾. [الحشر / ۱۰]. و کسانی که پس از آنان آمده اند گویند، پروردگارا ما و برادرانمان را که در ایمان بر ما سبقت دارند، بیامرز. و در دل‌های ما نسبت به مومنان کینه ای مگذار، پروردگارا تویی که رؤوف و مهربانی.

ولی در آیه‌ای که الله سبحانه می‌فرماید: ﴿لَا يَنْهَكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقْتُلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ تُخْرِجُوهُمْ مِّنْ دِيَارِكُمْ أَن تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾ [الممتحنة / ۸]. «خداوند شما را از کسانی که با شما در کار دین کارزار نکرده اند، و شما را از خانه و کاشانه تان آواره نکرده اند، نهی نمی‌کند از اینکه در حقشان نیکی کنید و با آنان دادگرانه رفتار کنید، بیگمان خداوند دادگران را دوست دارد».

مصدق آن کافرانی است که با مسلمانان سر جنگ ندارند و در صدد آزار رساندن و آواره کردن، ایشان نیستند در پاسخ به این عملکرد آرام آنان، مسلمانان با عدل و نیکی در امور دنیوی با آنها رفتار می‌نمایند ولی محبت این کافران را در دل جای نمی‌دهند چرا که الله تعالی می‌فرماید: ﴿أَن تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ﴾ در حالی که آیه نفرموده است: آنها را به دوستی بگیرید و به آنها مهر بورزید.

نظیر این موضوع آیه ای است که الله تعالی در خصوص والدین کافر نازل فرموده است: ﴿وَإِنْ جَاهِدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ﴾. [لقمان / ۱۵]. «و اگر تو را وادارند، تا چیزی را که بدان علم نداری شریک من گردانی، از آنان فرمان مبر، و با آنان در دنیا به نیکی هم نشینی کن، و به راه کسی برو که به سوی من باز گشته است».

روزی مادر اسماء به دیدارش آمد و خواست با او صله رحم استوار نماید، حال آنکه مادر وی زنی کافر بود. اسماء نزد رسول الله -صلی الله علیه وسلم- شتافت و برای این کار اذن خواست، پیامبر -صلی الله علیه وسلم- به فرمود: با او دیدار کن، و الله تعالی -صلی الله علیه وسلم- نیز در این باره چنین می‌فرماید: ﴿لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ

عَشِيرَتَهُمْ ﴿[المجادلة: ۲۲]﴾. «قومی نیابی که به خداوند و روز بازپسین ایمان داشته باشند و با کسانی که با خداوند و پیامبر او مخالفت می‌روزند، دوستی کنند، ولو آنکه پدرانشان یا فرزندانشان باشند».

ایجاد روابط دنیوی با مهر ورزی دو مقوله جدا از همدیگر هستند، زیرا روابط حسنه و رفتار نیک موجب تشویق کافر به اسلام می‌شود و آن از جمله اسباب دعوت به شمار می‌آید بر خلاف مودت و دوستی که تأیید عقاید فرد مقابل را در برداشته و از دعوت او به اسلام جلوگیری می‌نماید.

نکته مهم تحریم دوستی با کافران به این معنی نیست که از ایجاد روابط مباح تجاری و معاوضه کالا و بهره‌گیری از صنایع مفید و تجارب و اختراعاتشان پرهیز نماییم.

چنان که رسول اکرم -صلی الله علیه وسلم- ابن اریقظ لثی را در حالی که کافر بود اجیر فرمود تا در سفر هجرت راه را به آنان نشان دهد، و نیز در سیره آمده است که ایشان -صلی الله علیه وسلم- از برخی از یهودیان قرض گرفته است. مسلمانان همواره با کشورهای غیر اسلامی معامله داشته و تولیدات و کالاهایشان را وارد کشور می‌نمایند و در مقابل قیمت آن اجناس را می‌پردازند، که جایی برای منت یا تفوق کفار بر آنان باقی نمی‌ماند و این مسئله ارتباطی با محبت و دوستی با آنها ندارد چرا که دشمنی با کفار و دوستی با مومنین بر هر مسلمانی واجب است.

چنان که سبحانه می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ

فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ ءَاوَوْا وَنَصَرُوا أُولَٰئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ ﴿[الأنفال / ۷۲]﴾ «کسانی که ایمان آورده‌اند و هجرت کرده‌اند، و در راه خدا با مال و جانشان جهاد کرده‌اند، همچنین کسانی که (ایشان را) جا و پناه و یاری داده‌اند، اینان دوستان همدیگرند».

تا آنجا که می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةً فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ﴾ [الأنفال / ۷۳] «و کافران دوستدار همدیگرند؛ اگر به این (سفارش) عمل نکنید، در این سرزمین فتنه و فساد بزرگ بر پا می‌گردد».

حافظ ابن کثیر در تفسیر این آیه که می‌فرماید: ﴿إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةً فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ﴾ چنین می‌فرماید: اگر از مشرکین دوری نجسته و با مومنان تودد و محبت برقرار ننمایید فتنه ای فراگیر مسلمانان را فراخواند گرفت و حق مشتبّه خواهد شد، در نتیجه صف بندی میان کفر و اسلام از بین رفته و فساد گسترده و دامنه داری مردم را فراگیر می‌گیرد و به عقیده‌ی من این حقیقتی است که امروز مردم به آن مبتلا شده‌اند.

مردم در تولی و تبری به سه گروه زیر تقسیم می شوند:

گروه اول:

کسانی هستند که باید از صمیم قلب آنان را دوست داشت و از هر گونه کینه و دشمنی نسبت به آنان پرهیز نمود و اینان مخلصترین مومنان هستند که عبارتند از انبیاء صدیقین، شهداء و صالحین که قافله سالار آنان رسول الله محمد المصطفی -صلی الله علیه وسلم- می باشد که محبت ایشان پس الله تعالی واجب است از محبت جان، مال، فرزند، والدین و تمام مردم پیشی گیرد.

پس از رسول الله -صلی الله علیه وسلم- محبت همسران ((مادران اهل ایمان)) و اهل بیت طاهر و جمله اصحاب گرانقدرش - به ویژه خلفای راشدین و بقیه عشره مبشره، مهاجرین، انصار، اهل بدر، اهل بیعت رضوان و سایر صحابه رضی الله عنهم اجمعین - بر امت اسلام واجب است.

پس از این بزرگواران واجب است محبت تابعین و مسلمانان قرون مفضل^۱، سلف و پیشوایان کرام این امت - چون ائمه اربعه - را در دل داشته باشیم.

کسی که کمترین اثری از ایمان در قلب وی وجود داشته باشد هرگز به کینه ورزی و دشمنی با صحابه بر نمی خیزد و تنها کسانی به ورته دشمنی و کینه توزی با آنان گرفتار می شوند که دارای قلبی مریض و آکنده از نفاق و دشمنی با اسلام باشد. همچون خوارج^۲ و فرق غالی که از شر آنان به الله سبحانه پناه می بریم.

۱- سه قرن اول حیات مبارک اسلام را قرون مفضله گویند که رسول اکرم -صلی الله علیه وسلم- می فرماید: «خیر الناس قرنی ثم الذین یلونهم الذین یلونهم»: بهترین مردم (در) این قرنی است که من در آن هستم و سپس کسانی که بعد از آنها می آیند و در پی ایشان کسانی که بعد از آنها خواهند آمد. (م)

۲- از جمله عقاید انحرافی و فاسد خوارج که قلب هر مسلمانی را مجروح می سازد، این است که شخصیهایی چون عثمان و علی -رضی الله عنهما- را کافر دانسته و مستوجب سبب و لعن می دانند. (م)

گروه دوم

کسانی که مورد بغض و نفرت مسلمان هستند و مجتبی در دل آنان ندارند. افراد این گروه را کلیه کافران اعم از مشرکین، منافقین، مرتدین و ملحدین تشکیل می‌دهند که بر حسب کفری که مرتکب شده اند مورد بغض و نفرت مسلمانان واقع می‌شوند. الله سبحانه می‌فرماید: ﴿لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ﴾ [المجادلة: ۲۲]. «قومی نیایی که به الله و روز بازپسین ایمان داشته باشند و با کسانی که با الله و پیامبر او مخالفت می‌روزند، دوستی کنند، ولو آنکه پدرانشان یا فرزندانسان یا برادرانشان یا خویشاوندانشان باشند».

و آنگاه که بنی اسرائیل را مورد سرزنش قرار می‌دهد می‌فرماید: ﴿تَرَى كَثِيرًا مِّنْهُمْ يَتَوَلَّوْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَبِئْسَ مَا قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنْفُسُهُمْ أَنْ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَفِي الْعَذَابِ لَهُمْ خَلِيدُونَ﴾ و ﴿لَوْ كَانُوا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مَا اتَّخَذُوهُمْ أَوْلِيَاءَ وَلَكِنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ فَسِقُونَ﴾ [المائدة: ۸۰ - ۸۱]. «بسیاری از آنان را می‌بینی که کافران را دوست می‌دارند؛ پس بد است آن چه برای خود پیش اندیشی کردند. که سرانجام خداوند بر آنان خشم گرفته و جاودانه در عذاب خواهند بود و اگر به خداوند و پیامبر (اسلام) و آنچه بر او نازل شده است ایمان داشتند، آنان را دوست نمی‌گرفتند، ولی بسیاری از آنان نافرمانند».

گروه سوم

کسانی که از جهتی مورد محبت و از جهتی مورد نفرت واقع می‌شوند.

مصدق این گروه مومنان گناه کارند که به خاطر ایمانشان مورد مهر و محبت و به دلیل گناهی _ مادون کفر و شرک _ که مرتکب می شوند مورد نفرت مسلمانان واقع می شوند. مقتضای محبت آنان نصیحت، خیرخواهی و نهی از منکر می باشد. بنابراین روا نیست در برابر گناهانی که انجام می دهند. سکوت اختیار نمود بلکه باید انجام معاصی را بر آنان ناپسند داشته و به معروف امر و از منکر نهی کردند. و حدود و تعزیرات شرعی بر آنان جاری گردد، تا از گناهان دست کشیده و توبه نمایند.

دیدگاه اهل سنت در بغض از این مسلمانان نه مانند خوارج است که مرتکبین گناه کبیره را مشرک می پندارند و از آنان به کلی تبری می جویند و نه مانند مرجئه می باشد که آنها را مورد مودت و دوستی خالص قرار می دهند، بلکه مسیر اهل سنت اعتدال میان هر دو روش می باشد.

دوستی و دشمنی ورزیدن به خاطر رضای الله ﷻ کامل ترین درجه ایمان می باشد، همان طور که رسول اکرم -صلی الله علیه وسلم- می فرماید: ((هر کس در روز قیامت با کسانی است که آنها را دوست داشته است)). لیکن امروز این قاعده دگرگون شده و دوستی و دشمنی بیشتر مردم تنها بخاطر دستیابی به مطامع پست دنیوی است. که اگر کسی از آن مطامع برخوردار باشد ولو اینکه دشمن الله و رسول او و دین مسلمانان باشد پیرامونش حلقه زنند و آن کس را که از آن مطامع پست بهره ای نباشد _ اگر چه از دوستان الله ﷻ و پیامبر او باشد _ به هر بهانه ناچیزی در ضیق و تنگنا قرار داده و کرامتش را پایمال می کنند در حالی که عبدالله بن عباس -رضی الله عنهما- می فرماید: ((من أحب في الله وأبغض في الله ووالی في الله وعادی في الله فإنها تنال ولاية الله بذلك، وقد صارت عامة مواخاة الناس على أمر الدنيا وذلك لا تجدي على أهله شيئاً))^۱. کسی که محبت و دوستی و عداوت و دشمنی اش به خاطر الله باشد، همانا به درجه دوستی با الله نائل می گردد. در حالی که روابط اکثر مردم تنها

۱- ابن جریر روایت نموده است.

به خاطر دنیا شده و از آن سودی عاید این افراد نمی شود.

ابوهریره -رضی الله عنه- روایت می کند که پیامبر -صلی الله علیه وسلم- فرمود: ((إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَالَ: مَنْ عَادَى لِي وَلِيًّا فَقَدْ آذَنْتَهُ بِالْحَرْبِ))^۱. هر کس با یکی از دوستان من دشمنی بورزد با او اعلام جنگ خواهم نمود.

دشمن ترین مردم نسبت به الله -جل جلاله- کسی است که با اصحاب رسول الله -صلی الله علیه وسلم- به عداوت و دشمنی برخاسته و آنان را دشنام دهد و شخصیت و الایشان را زیر سوال ببرد؛ که رسول اکرم -صلی الله علیه وسلم- می فرماید: ((اللَّهُ تَعَالَى فِي أَصْحَابِي لَا تَتَخَذُوهُمْ غَرَضًا، فَمَنْ آذَاهُمْ فَقَدْ آذَانِي، وَمَنْ آذَانِي فَقَدْ آذَى اللَّهَ، وَمَنْ آذَى اللَّهَ يَوْشِكُ أَنْ يَأْخُذَهُ))^۲. از الله بترسید، از الله بترسید، در مورد اصحاب من، به آنها غرض نوزید، به راستی هر کس آنان را بیازارد مرا آزرده است، و هر کس مرا بیازارد الله را آزرده است، و هر کس الله را بیازارد نزدیک است او را به عذاب خویش گرفتار سازد.

در خاتمه از تمام کسانی که نسبت به یاران پیامبر -صلی الله علیه وسلم- اسائه ادب کرده و از دشمنی با آنان بی پروا هستند؛ تبری جسته و از عذاب دردناکی که در پیش دارند به الله سبحانه و تعالی پناه می بریم.

وصلی الله وسلم وبارک علی نبینا محمد وآله وصحبه أجمعین.

۱- صحیح بخاری.

۲- ترمذی.